







مجموعه بعض غزلیات



ATSI



۴۴

سند محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد

سند محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد

سند محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد

سند محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد

سند محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد

سند محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد

سند محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد

سند محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد
بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد

چو افتاب بر آید سیاه در هلال
شوق در دهن شد صبح در دم

شوقه بن مروه جنب اولوب
دارد بر صفا خود اول شب بوم کار
الایا ایها العاقل قدنی ووصیه
فان الموت قدنی ووصیه
صالحه یما ایدم عالمک
قبضه رستمده ایدر روزگار
المحکم دهم او کس خائن نیست
الدیر بو بلبلو کس بر در کار
عاب الطیب اناس لا یعول لهم
وما علیک اذا عابوه من ضرة
ما فی الضحیٰ طالعہ
ما فی الضحیٰ طالعہ

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a short passage, written in black ink on aged paper. The text is highly stylized and cursive, characteristic of the Maghrebi or Andalusī script. It appears to be a personal name or a religious invocation, possibly "Muhammad" or "Muhammad bin..." followed by a surname or title. The ink is dark and the paper shows signs of age and wear.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

این ریاضه هم کج و دفرست
ببریزد از فلک عبده خست

افضل
ازيد
نمک
فایه

مجلس نوافل
کتاب بیجاو
فصل اول

در روز دوشنبه
در این ماه

از دلش بزم عشق و محبت
 فغانی است که در دلش بزم عشق و محبت
 بنی دعوت اید یک رب غنای خود بدین
 نهی دست و اینی بگو ایدم اولدم حجبین

بگو ای مدعی شنید این کلام
 مگر از زور جهنده و دکانه کلام

نیمه تازه بود غنای مدعی
 زانکه اوی زور مدعی جانان

مقول طلبی خوشی که شکر
 نیت تو زانکه اول بابان

چوب را از زینت و کیمیت
 نمر دارم که زور بدین

دخا فدین بدین یک
 دیکه سوزش زینت و کیمیت

کیمیت و دانا و زینت و کیمیت
 دکانه زانکه عادت و کیمیت



خواجہ غفران میرزا

ماجر اکرم کن و باز آ که ما مردم چشم
حرفه از سر بدو آورد و بکرانه بخت

ایچم باده نوشدینک و ابدنک اینک ایچی
دوست میا نده و بر سرکاب
واقع اوله ده و بارشده
صلو رغب اوله و نفسی ایسه
سکرانه و بارشده پیرهن
چقار و باشه
راغور و باشه
خواجه غفران
بودن ایچم
سود

عازضه سیاه خالی کورک
حرم کعبه ده بلا کی کورک

نظر ملک او شکر زبا بیا
قدت صنع ذوالجلال کورک

بور باغی و حی طایر
امیر اللهی حضرت نیکو
شده متعلق بودند
غیری رجوت
دیو پیرشد

نور محمد

نور محمد
نور محمد
نور محمد
نور محمد

نور محمد
نور محمد
نور محمد
نور محمد

نور محمد
نور محمد
نور محمد
نور محمد

نور محمد
نور محمد
نور محمد
نور محمد

نور محمد
نور محمد
نور محمد
نور محمد

شکست
بغیرتیب نیست ای خنجر زار
چو از زویر و زویر از کین
تقصیر

بسم الله الرحمن الرحيم

نظم به باطن عباد الله
و لا یستغنی عن الله
و لا یستغنی عن الله

وله غنچه خفته جو بهر بن
بکرده جو بهر دلدار بن

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

نوعی داده می شود

نبر خواهم که یک دم به دو باشم

کشتن بار بخت و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس

بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس

بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس

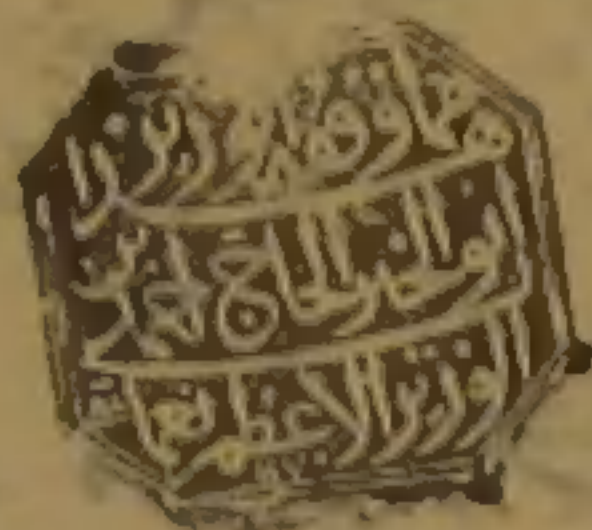
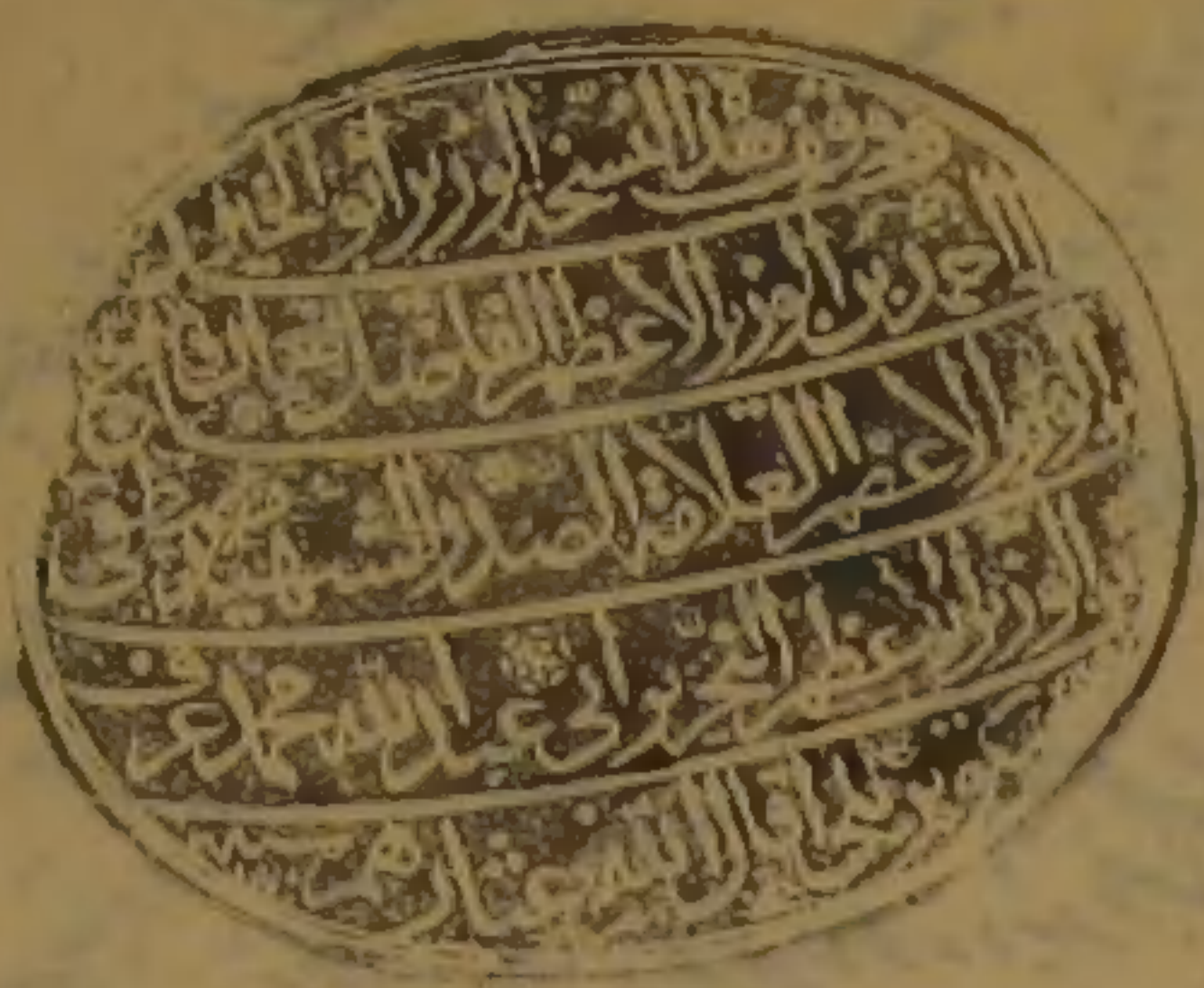
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس

کوتاه کاشانه به خط
کوتاه کاشانه به خط
کوتاه کاشانه به خط
کوتاه کاشانه به خط

بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس

بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس

بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس
بخت و شانس و شانس و شانس



بسم الله الرحمن الرحيم

باقی عالمگیر پیر و حکم فرما را به
 غنیمت و شکر و تحسین و تمنا را به
 نجیب و اولاد و اقارب و دیگران را به
 کرم و احسان و بخشش را به
 محبت و ایثار و سخاوت را به
 خیر و برکت و سعادت را به

[illegible]

کاه چو ابدیه بهر کس
که از غایتی که
باز نارا و بختی که از غایتی که
شدن یکدیگر ای نامه
خبر و یک سخن اولدگی از باغی
فهم در این نظر دوزخ اندکی
که که نه بهر این کافه و دیگر هیچ
نه بهر این

نامک نبد و کنز فہم میں دریک اگر
 مطالع ساز کی جفت طالعہ مسازید
 نامی باقی نبد و جہم نصف
 السید رخاوی سید سیم یوسف روح القدس
 نامی باقی نبد و جہم نصف
 السید رخاوی سید سیم یوسف روح القدس

[illegible]

فردا در خدمت بیایم
و کوه سنجیکه که هم
نزدک است و یک
جوخ دارد که در جوخ
بین الخوم کو خند
بوزد و آن حقیقت بود

من کوشه و بوی خوش
 می بوی خوش و بوی خوش
 ز ناز بوی خوش و بوی خوش

رایت قشرب کوب او قدر کوب کجک
 او شد بدو بمانید بر شوج و جفا خود کجک
 نقد ز قدر را نکند نش از است
 بی وفا نظر ایدر بولند جانلو در نه
 با فدا کار او لکم کعب بونیم
 دیلم سعد از بچک او بیک
 بربوه کلدی غنیمت جاد و کجک
 بدو از بدی بر بی شیوه لو کجک
 کوز را اولوک الاینه با هو کجک
 خوب روزاره جواند ریکانند
 کلدی بماند از قشیر کجک
 فانیو با غنیمت خونا کجک
 کوز لوندنا اقدیر کند و کوز خونا کجک
 کوز لوندنا اقدیر کند و کوز خونا کجک
 صندکوز نوع کوز کجک
 صندکوز نوع کوز کجک
 صافک بلش اولک ابلید را کجک
 صافک بلش اولک ابلید را کجک
 جان بدو کلدی اولک کجک
 جان بدو کلدی اولک کجک
 غلب اولک کلدی اولک کجک
 غلب اولک کلدی اولک کجک
 زلف بی دینله او کجک
 زلف بی دینله او کجک

[illegible]



لا
هر که در آب عقیقه و چشم آینه
دست عالم را اول او کوین

لا
دور که در سحر و جادو
جانیست و کل اسرار عذاب
لا
نمودند که بزم ناز و در بزم
چرخ کافر بگردان کل اسرار عذاب

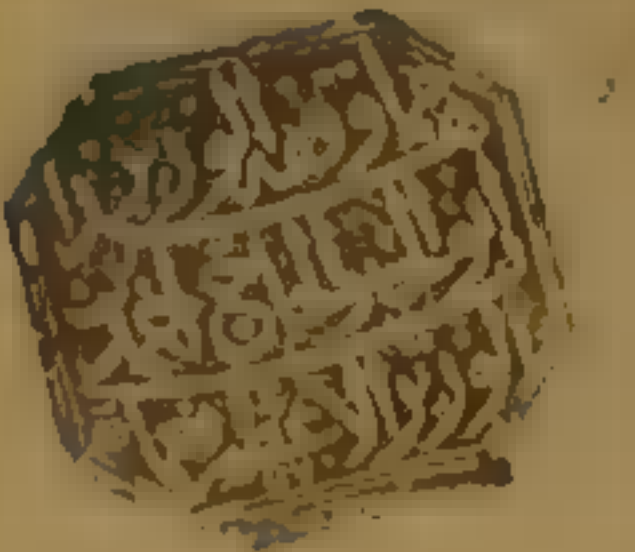
قطعه

کوه عادت ز بیم بود بیادوت از شود صادر
نیش بر سناج مندا غمب که به بروی نیشود

نیش غمب به از سر کینست
مقتضای طبیعت اینست

لا

ما قل نه شاد اولود بوجها نمانه غم جگر
نادان همیشه شاد اوله نیندر الم جگر



کلاه کار چنان قابل در / تا جز نگارند وین
 اهدم و علم زبانه کامل در / یک صحرانور و چینی و خن
 او هم خوش حال بد این فکر / نیل ملک روی برکت
 طره غواص بحر فانی فکر / نیریندک سبک طلیح
 دوزبانه کلید کج خیال / شکمی صحنی ای جگر
 غنایب ز راه کج خیال / بجه نیل ماه جلوه گاه جگر
 غالب سار نو و سخی / حال با غصه در وحساب
 عبسوی کج نفوس سخی / صفه نور و غنچه
 صاحب امر و می قطع وصل / سکندر وار
 جنبی شکل و اسطی / تنی طلیح و کشت و زار
 شام فرزند بار اندیشه / فانه زار این جنبه
 که مغمکسار اندیشه / خون ابد و آب اهورا
 و خن سار جیات / لوح کافور غنچه آستان اول
 خن غنچه جیات / پسته نفی زبانه اول
 کوه فانی غنچه سکا مدار / لوج کافور غنچه آستان اول
 مردم غنچه سکا مدار / پسته نفی زبانه اول
 کوه فانی غنچه سکا مدار / لوج کافور غنچه آستان اول
 مردم غنچه سکا مدار / پسته نفی زبانه اول

کان دل کبر دیده ده که وار
 عدل در کین تو نوی شهوار
 شنه جابه ویر کا نظم
 چک این سلک انتظام هم
 کملک کردیند فیبر مصوح
 کملک سینه بیده و شوح
 ایلوب روی بو شکیو
 ایلوب فیباغ آب کلکو
 ایلوب بر جبهه خیره
 ایلوب بر فاج سیه قلم
 یغیر اکی کلک غنیه بی جامه
 ویر تسلسل سطور از قامه
 نگاره وارنده طاقت کفزار
 ایلوب فی الضمیر اظهار
 بنام خود و جوک ایلوبی داغ
 آب هم چکدی جفتن ایاغ
 بن کد ایه نه زینک دارم
 خفه شکله ایلوب و دلک دارم
 کان دل کبر دیده ده که وار
 عدل در کین تو نوی شهوار
 شنه جابه ویر کا نظم
 چک این سلک انتظام هم
 کملک کردیند فیبر مصوح
 کملک سینه بیده و شوح
 ایلوب روی بو شکیو
 ایلوب فیباغ آب کلکو
 ایلوب بر جبهه خیره
 ایلوب بر فاج سیه قلم
 یغیر اکی کلک غنیه بی جامه
 ویر تسلسل سطور از قامه
 نگاره وارنده طاقت کفزار
 ایلوب فی الضمیر اظهار
 بنام خود و جوک ایلوبی داغ
 آب هم چکدی جفتن ایاغ
 بن کد ایه نه زینک دارم
 خفه شکله ایلوب و دلک دارم

نکاتینم شمع
ظهور در دود و غم

بدستم عشقه که بادی بکاهم اولمشه
ینه بونیه که کنی برکنشده

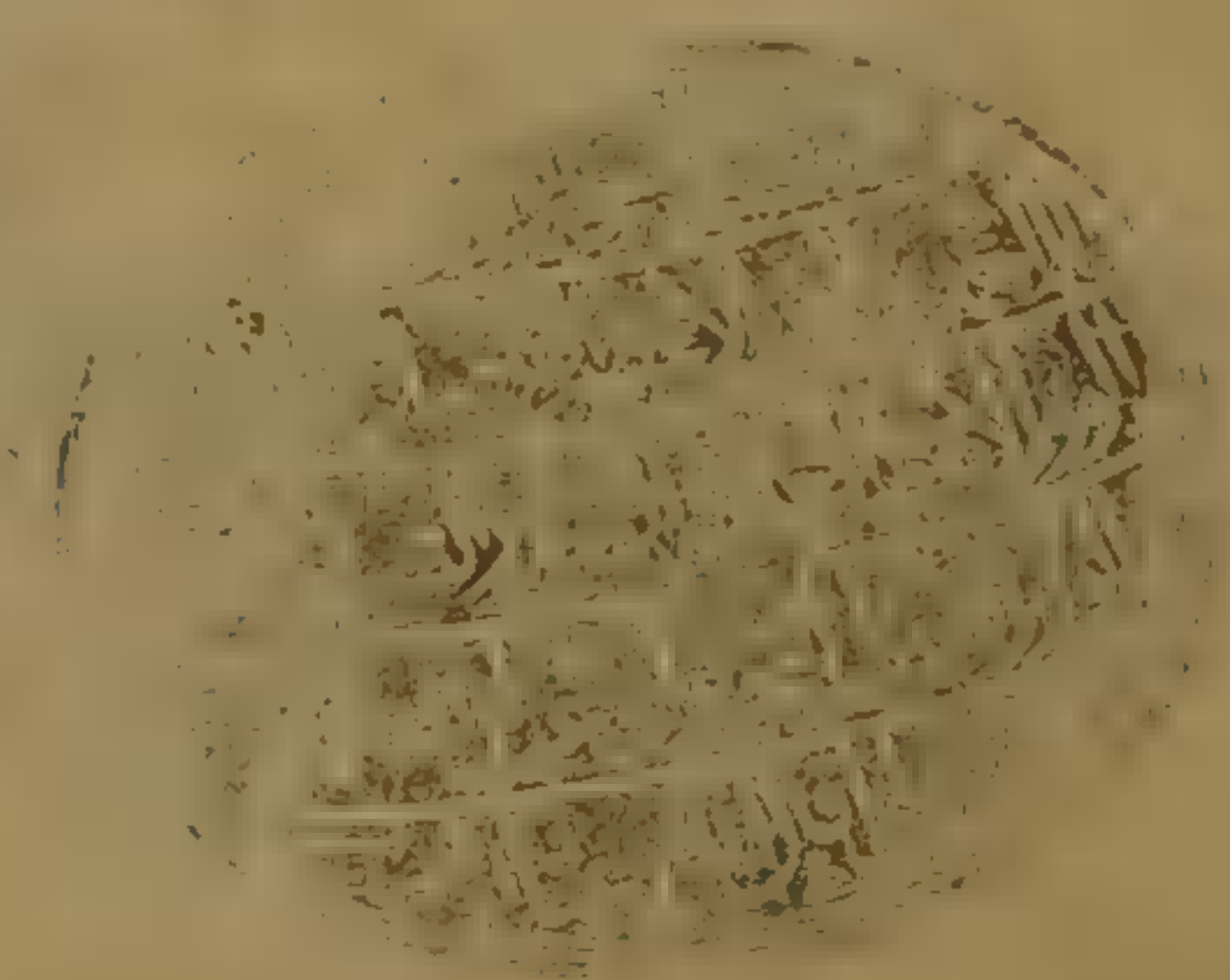
بوکوله بی ملک اولی توئی علیشیم
غافل لبی بی ملک چشیده

شقای صیده سید سید که کشیده
بویوه الخ سیده ده خک کشیده

اولی بی آدم که رو به ابی بی بی
بونا نموده خفا اول بی بی و غم

سختی اولد ری حزن مطهری
بیم بی بی بخت مشو شکر

کو رنجه زانی هواده قصه در خط و رس
بوقیه که بی بال و صفتی در



خبر و حیف و دور بود
اولدی محمد گریه
حد فی اغنیوی کند و
ذره مقدارین دکل در نظر دنیا

[illegible][illegible]

خط نوکیم رخ دلداره نقاب اور اولور
ایر کو یاقه تابانه حجاب اور اولور
جلوه فلک رخ مهر و درخت آسما
وامیر بر دیده نظاره که تاب اور اولور

کریه زبناول نظاره عجب حجب
رو بر خورشید نظر دیده بیاور اولور
جانی حلقه کلور شکل افتاده بکر
غیر کیم نازیده انشوخ خطاب اور اولور

نقله ده شیر کیم غم غم غم
برده کم ساینه کلچهر اور اولور
بزم کیم ساینه کلچهر اور اولور

بکشیم در دیکه تفرقه و است ناز
نظر افشانه در خیمه خواب اور اولور

مهر کیم ساینه کلچهر اور اولور
کیچو کوند زالمه زنجیر اور اولور
رخ زرد اور دره فلور فوج میر اور اولور
حاکم خانه و کانه اور اولور

نختر در دره و نیر اور اولور
نوشتر وار وصال اور اولور
حسرت کیم آینه ندیر اور اولور

مدد زبانه شکار اید بکیم
حازک آیت احلا صبر اور اولور

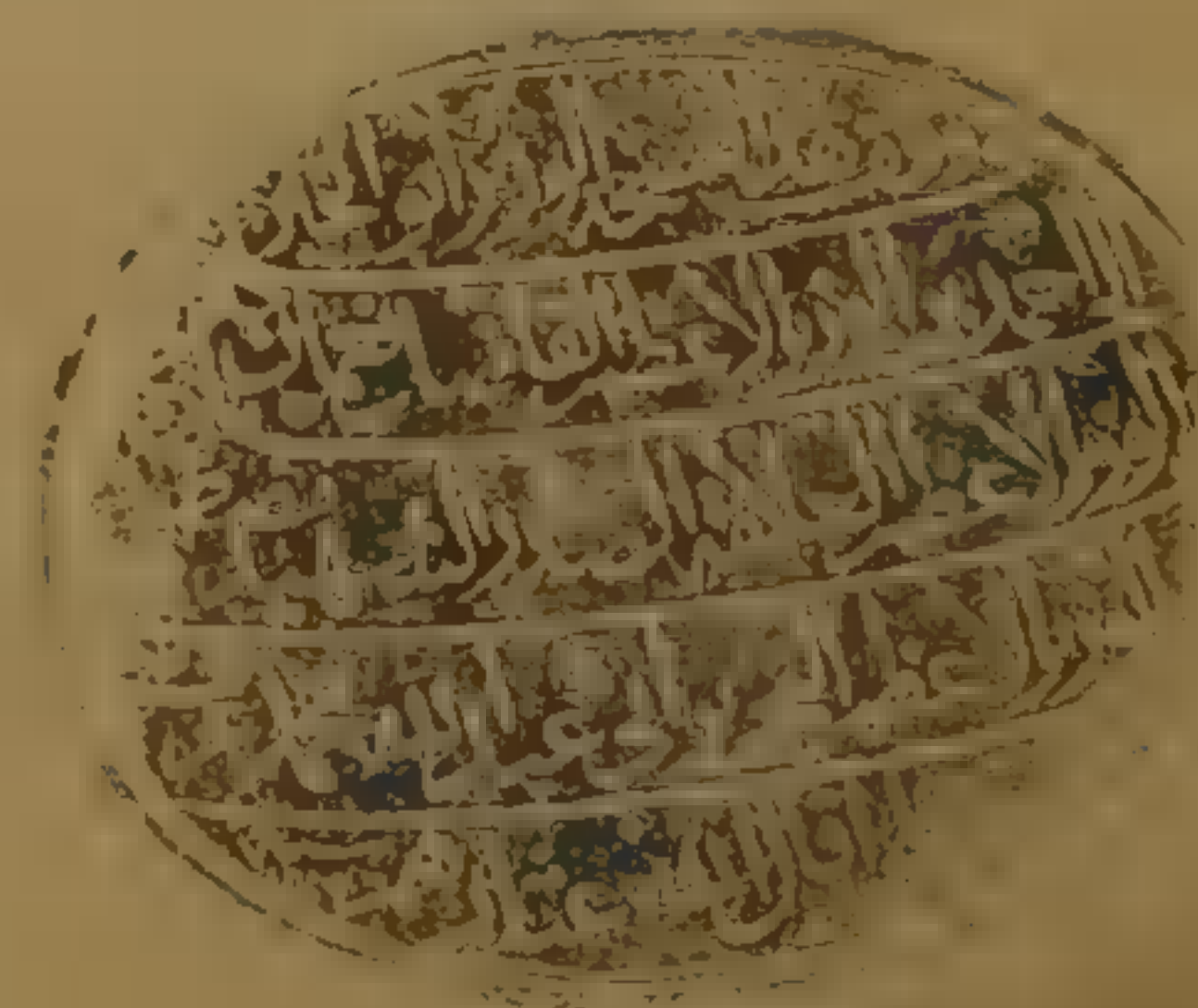
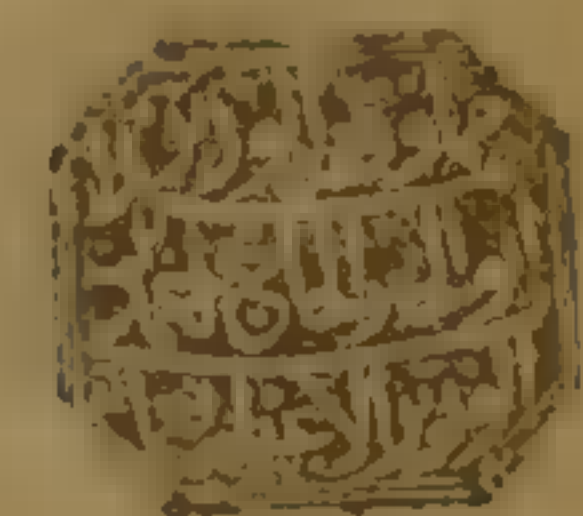
باری ایدم ابر خنجر و نام ویر
بزمه کلدی کله ابر شهاب ویر
بایند باری بو توغریبله ویر
فالمه کاه مدد و تاب و نام ویر

آه بکرده میانین اور اولور
سینه کیم سینه کیم اور اولور

خط بیاورده اولان ناز ویر
نشفه بزرگ ویر کیم اور اولور

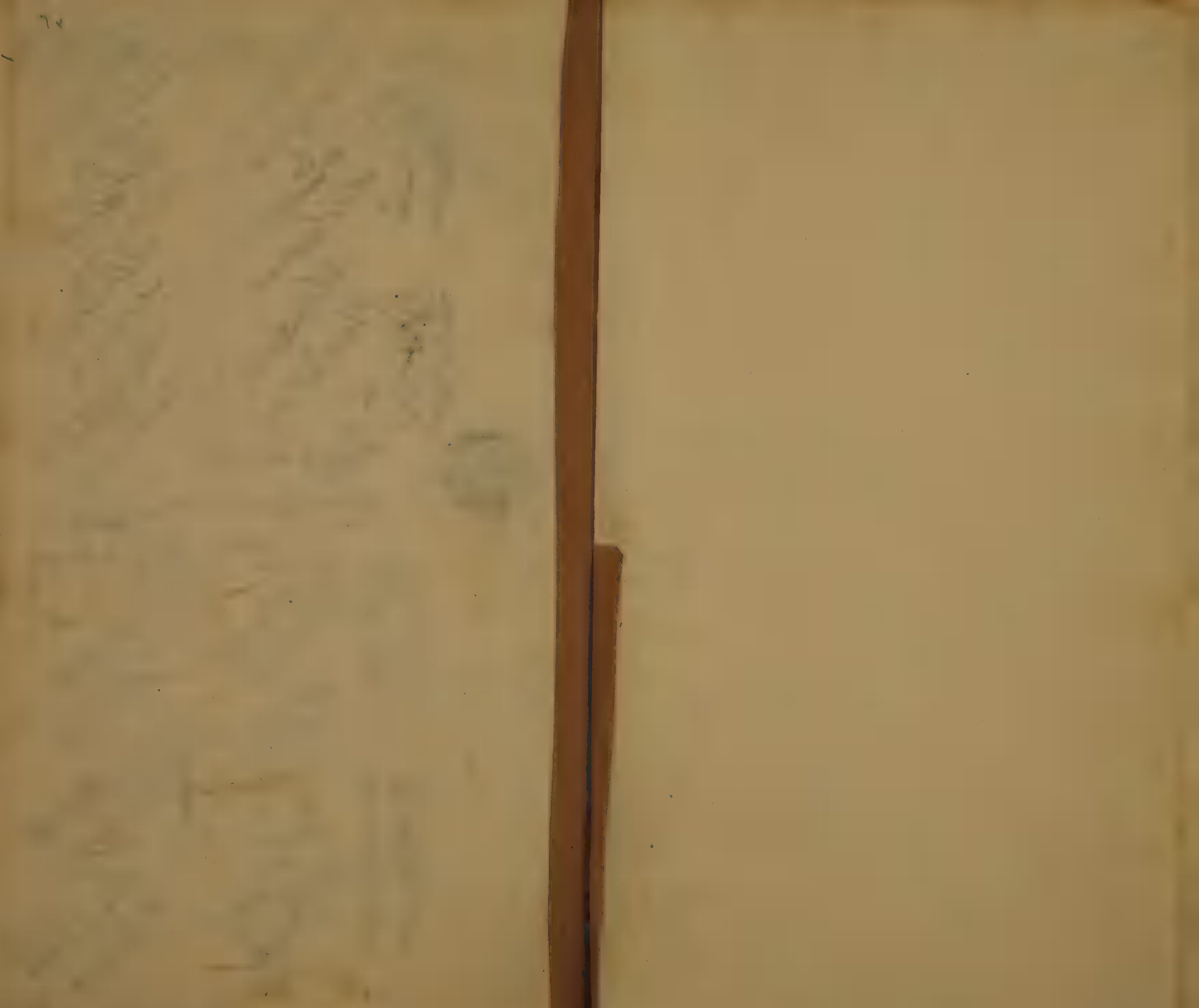
بار سوغند کیم کجا بوغول اکیا
سولیه سولیه ایش ناز ویر

2 v



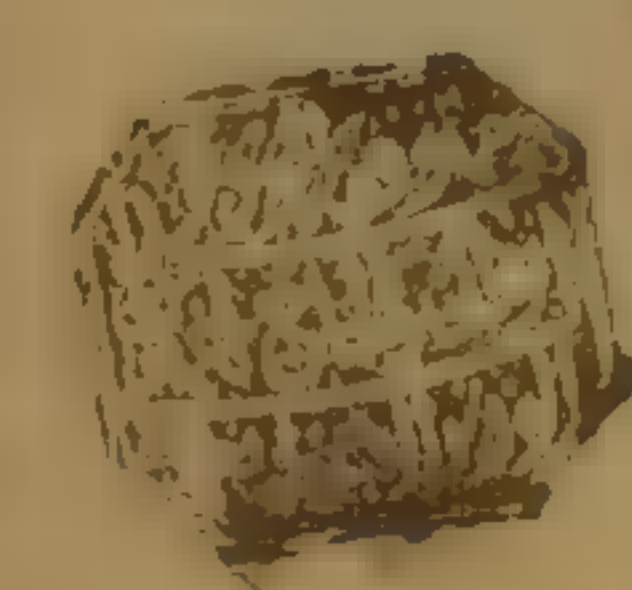
32

[illegible]



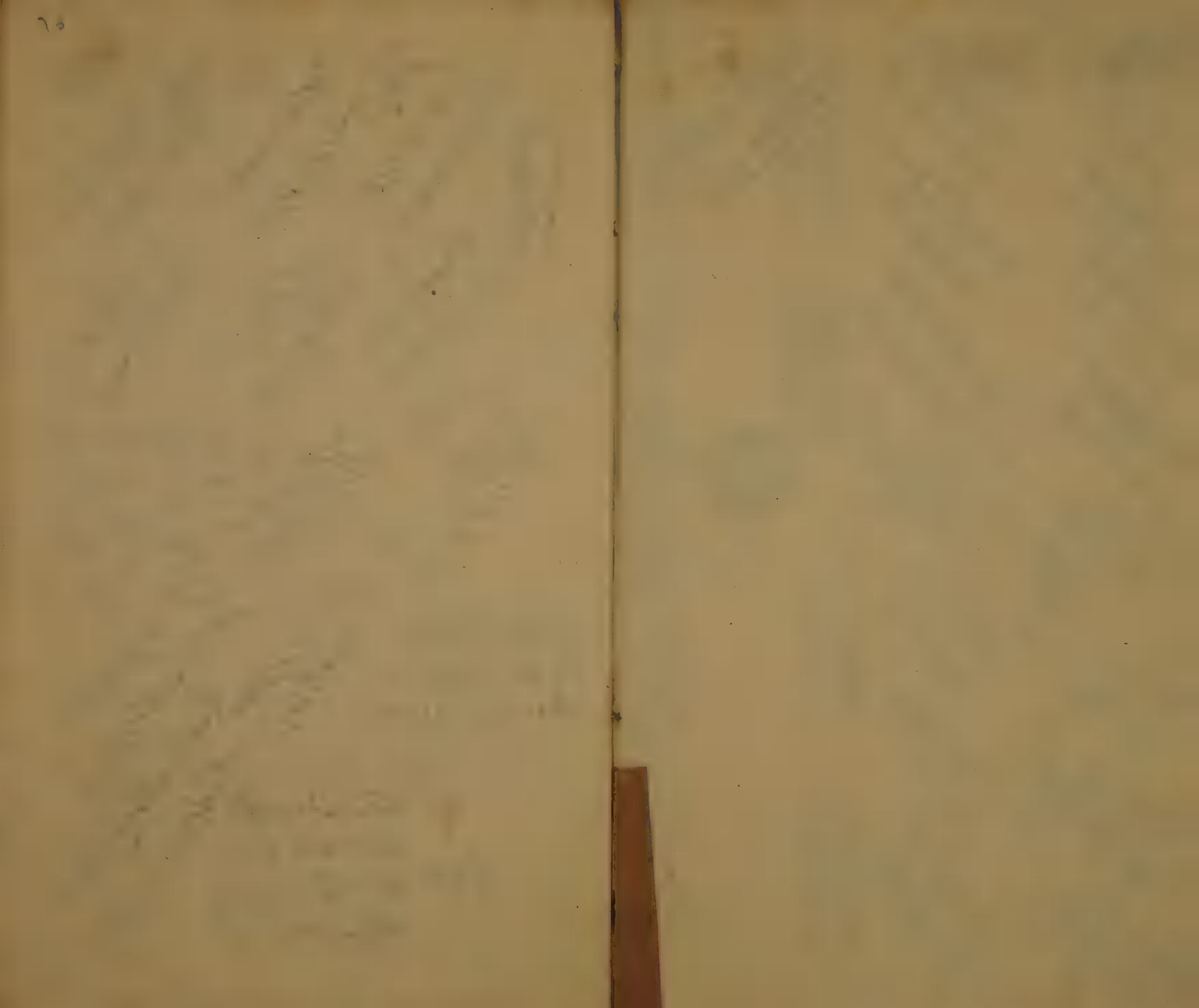
در دین فرقی نیست که کمال
 به چهار اول و دوم هر چهار
 به این در دین است که در این
 در دین فرقی نیست که کمال
 به چهار اول و دوم هر چهار
 به این در دین است که در این

در دین فرقی نیست که کمال
 به چهار اول و دوم هر چهار
 به این در دین است که در این
 در دین فرقی نیست که کمال
 به چهار اول و دوم هر چهار
 به این در دین است که در این



در دین فرقی نیست که کمال
 به چهار اول و دوم هر چهار
 به این در دین است که در این

در دین فرقی نیست که کمال
 به چهار اول و دوم هر چهار
 به این در دین است که در این



سید

حقیقت نبوی
حقیقت صدق خاتم النبیین
حقیقت ایمان و غنا و طهارت
نفاک سدا و ابد و کبر
اور از ان ترس

[illegible]

ایک نظر میں آیا ہے کہ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
النبی المبعوث فی الحقیقة
وآله الطیبین الطاهرین
اللهم صل علی محمد وعلی
آل محمد

[Faint handwritten text in Urdu script, likely bleed-through from the reverse side.]

انند نقد جانبی شمع
سازگار

به کاران بود
فکر او مست نازده
جامه خوانده
خفتن نظر او بود

نغمه در آواز
ای که در آواز زلف خدایک را کوکله
عاشق اولی که از آری ستاغانه این
عاشق اولی که از آری ستاغانه این

نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز

ای جانم خانم اوم میرم بدو دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل

دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل

نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز

تن تن در در تنه نیر تانادر در تانا
دره تلل لند ناد نیر دندره دلل در
تن تن تانادر نیر دلل در در تن تن
تادره دینا نیر هر اهر اهر اهر اهر
هر اهر اهر نیر اهر اهر اهر اهر اهر
عوشن اهر اهر اهر اهر اهر اهر اهر
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز

هزار سواران کاسر در دست را
از آنکه خار قبا بانه دوش برودند

نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز
نغمه در آواز

جانم دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل
دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل دل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله

والصلاة والسلام

على سيدنا محمد

وآله الطيبين الطاهرين

السلامة من الله ومنه

الحمد لله

والصلاة والسلام

على سيدنا محمد

وآله الطيبين الطاهرين

السلامة من الله ومنه

الحمد لله

والصلاة والسلام

على سيدنا محمد

وآله الطيبين الطاهرين

السلامة من الله ومنه

الحمد لله

والصلاة والسلام

على سيدنا محمد

وآله الطيبين الطاهرين

VA

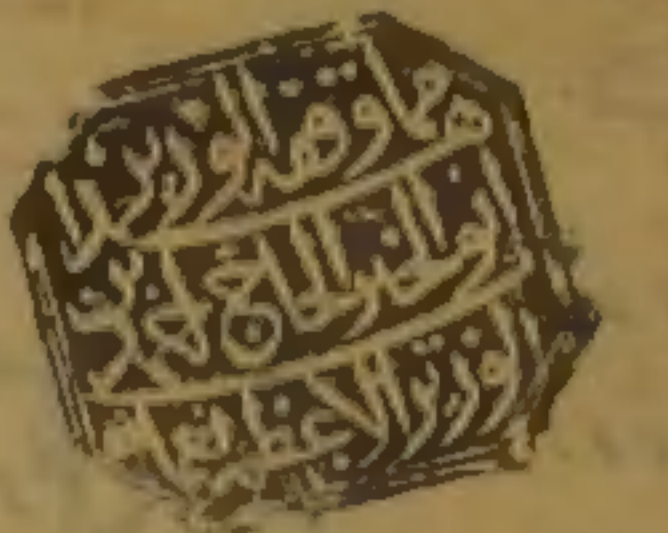
مجموعه کتب
مخطوطات



بای خاکی که می باشد . بگویم راز دل را فاش باین . که راز غافله محرم تو . دل مجروح را هم در هم تو .
بای گلشن سوسن جان . دسوز دل کج چندی بجان . ز تو کس را نخود پنهان آرد . که هر کس بی و جان آرد .
نوم با آتش دل را بیای . که بخت زوید بر تو ای . بیا کنه کو چشم کین . به سینه سیده شرح جوان .
بخت بادست از نه هزاران . بخت میفرست سوی جان . اگر هست و در مجلس . عنایت داند ز دست دگر .
بپایین بسته اول تو زنده . اگر بدست و شکر بگذارد . بنکوست بوشش فدای . و زان بن هر چه میداند دگر .
سلام عهده با او دل سوز . به پیر سن که که خوبست از لغو . ز احوال سر به سر از رو و احوال . نه چند آنکه بنی صده احوال .
بگو از طوطی پاکیزه گفتار . چرا شد او به آن غربت گرفتار . بگو آنکه بیل شیرین سخن . مبر از خاطر حق الوطن .
که آنجا باغ و بستان گلزار . هم بنی است از و بهر بیدار . در آنجا صورتها چون نفیست . همه غم و مشرب و بهر غفلت .
در آنجا که دکنه و جویبار . در آنجا پر در کو هر بخارست . تر اول همچو در بایک است . در چندین در بهر غبار .
بسی جنس خود را ابرک خو . که جنس از جنس بملو . الا غنچه گلزار عارفانه . بفرست بر سانه از غنچه .
که خاطر بر سر این بنده زار . گذشته بردت ابرکانه . مگر با دیر فتنه لطف سولا . وز بدست از مجاد و سولا .
ندامت فرخنده ابا این چه بدست . که دلها را از و قبضه و دست . بجوشانید در یار کوم را . بلبانده اخت در کوم .
خود نامه از آن در بار و جوت . که سوزنده آید از سوز و دست . چه نامه نامه خوب و سفیر . خطش از کت از خط و دست .
از آن هر نقطه کوبه همچو نیست . که خایه بر رخ عاشق گشت . مگر عین هلال عید شادست . که از دید آرد و لکه گشت .
هر آن نقطه که بر پیش روید . آنکه خایه بر او ویر و دلار است . هر الفش در در و نه باغ . نشانی سید همدار سرور .
سخن را میرساند ای در سپای . آنکه آنکه به دعا کو بر از دل و جان . و لا دستی بر او و حوسر . و عابر و لشر سبک .
که تا جگر غم و دیر بود . می آید آرد و کوشش هیچ مشکل . بود تا در دل غش و سودا . نه خان زلف زیبار و لا .
خدا تا آن که عرفانه و جان . بر اوج دلتش سکن در خان . الا بر خسر و اقبلیم حقا . خدا بخشد ترا الهوت و حق .
بود مقرون تو فضل الهی . خدا بخشد و ادات هر چه خواهد . بعد شرمند و کدستی گشام . بخوانش بوی خود نام .
که بعضی خوانم لطف عیبت . بخودی ترش و یه بهیت . که شمع و صبر مردان . بدان جانب شد از احوال .
در اندام که شرف به بهیدار . بقطعه شمشیر و دل بدست . به بای حش و فتاد خواری . مگر از آرد و کامکار .
بدست آورد دل در و شین چار . بکند ایش بدست غم گرفتار . اگر او را بنودی در و دل . چه کار سخن سده ز شک و دل .
چه اگر داند لطف خود داد . سبب فضل حق با تو فزون باد . سلام بر سید سجد و پای . بدان هر دقت از باب غفان .
در کجاست سینه برادر . نزار از کوی مشروح مصور . سلام عرض از صد و سلام . بدان سیمین کجور اکرم .
کل و شمشیر شاد و حرم . حال از غوان کون یاد مردم . سپه لاری می از نصحت . سرباب نشا و باغ .
بنام احمد بهت یک محضر . مبادا خالیش مجلس سب . سداشن دازین دای حشر . بس احباب و کجور اکرم .
و سبب چندی بهین نه بخت . ز چمن شیخ را کردن اشارت . ز رفتن منع کردن این سخن . نه رفت و نه ماند .

بهر مرد اینجا لازم کلمه در وقت صراط نقطه و دو کوب و یک شطرج اولنه و اوج کمره صلوات بر طرف
 کنور و بانه نضکره پوشکله نظر اولنه و نه کلواریه علم اولنه

شاد لقمه مراد حاصل اوله	نضد اخگر بودن شاد لقمه مراد حاصل اوله	فیض خارج ایرینق و رباه کور مکدر	جماعت مراد الیه کله اما حسنة لقی حویج وارد	فراج مقصودیه سید بوشق و شاد لقی
طریق عقده بهر مراد اوله و غایت شاد اوله	نضد الخارج بهر مراد اوله شاد اوله و ایشیر خیره دونه	نضد الیخگر غم خانه سید رغایه ایر افردر	منبه خارج و هم خانه سید بودن سیر افردر	عتبه داخل بونه و غی خند اوزره اوله
غم غصه خانه سید ایر افردر	اجتماع اشتر فقر اوله و خیره دونه	غم غصه اویدر	بهر مراد اوله و اشیر خیره دونه	حسینه قاده بهر مراد اوله
		بودن دشمن خانه سید خیره کلنر خند اوزره اوله		



افندی
بوند او کجیک غیبنا دوج کیک غایبی
مست و لب لبغدی جام کیم دینجی
اولدی کونا نانا نوار خججه نیشخون
لبک لب طرز قدیم اوزره نظم دینجی
بونی بابی دیدی انا که نیش کلف
که طافنده حلا و نیش کیم دینجی
دیدی تارخنی اوج لبک کورینور امانیم
اولدیر انجی هزارک بولم دینجی
عل اسکا لده بدل عدل غور جانیم
بوند و بل داعیه کیم دینجی

برج ذی قعدة

نود و دو دارفت بفاصله دوازده
ملاح حایب که غم خندان و غم اول
مهر سلیمان یک جوبه و یک جوبه

مسئله خستید که اینجاست
صواب که زید روز خواجه رفت
صوری بویین او در یک جوبه و یک جوبه
دید بهر فلک نظر سماره او

۱۱۴۹

انکه مصرع تا بحین ابد تمیز
چه بجزیر عالی مقامی جنت اوله
۱۱۴۹

